



دوره ۷ - شماره ۲۰ - تابستان ۱۴۰۳

واکاوی جایگاه کنگره و اختیارات آن در نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا

امیررضا محمودی، عباس تقوایی، محدثه قوامی‌پور سرشکه

چالش‌های حضور جوامع مدنی در فرایند دادرسی کیفری در ایران

انسبه سلیمی، علی دادخواه

تحلیلی بر فروض مسئولیت کیفری ضابطین قضایی با تاکید بر نظریه «مشارکت با فضیلت» در حقوق ایران

هادی مسعودی فر، نفیسه شیرازی

جرم انگاری شکار کودکان و نوجوانان در فضای سایبر در حقوق ایران

حمید عیاده پور، مریم کمائی، داریوش کلانتری

مسئولیت قیم؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و فرانسه

اکرم السادات مکی، اسماعیل کشکولیان

عاملیت ژن در جرائم سایبری و تاثیر آن در ارتکاب رفتار مجرمانه با تاکید بر جرم‌شناسی سایبری

سجاد صنعت‌جو، مائده دقیقی، شهرروز دربندی

امکان‌سنجی مشروعیت استبدال مال موقوفه در مذاهب فقهی اسلامی و حقوق موضوعه ایران

الهام طبرسا، محدثه صادقیان لمراسکی

واکاوی در آراء ابن سینا پیرامون زنان و کودکان و مقایسه آن با مفاد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

و کنوانسیون حقوق کودک

محمد مهدی داور، ریحانه صادقی

واکاوی چالش‌های اجرایی دستور ضبط وثیقه در شعب اجرای احکام کیفری

اکبر محمودی، ایمان اسفندیار

امکان‌سنجی دفاع مشروع از طریق حملات سایبری

صالح غلام‌حیدری

چالش‌های حکمرانی مبتنی بر توسعه پایدار در نظام بودجه ریزی ایران

محمد مهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی

ساخت دولتی در خدمت زنان: ادغام جنسیت در دولت‌سازی پساناقشه

مرجان مرادی

سلاح‌های جنگ، ابزار عدالت: استفاده از هوش مصنوعی در مرحله تحقیقات جرایم بین‌المللی

نوید زمانه قدیم، آرام عباسپور جلالی

نقش و اهمیت دیوان عدالت اداری در تضمین حقوق فردی

زهرا معاریان



Guardian's Responsibility: Study of Iranian and French Legal Systems

مسئولیت قیم؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و فرانسه

Akram Makki

Department of Law , Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran

Esmail Kashkoulain

Department of Law , Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran (Corresponding Author)

اکرم السادات مکی

گروه حقوق، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
Akram1378.m@gmail.com

اسماعیل کشکولیان

گروه حقوق، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول)
esmaeil.kashkoulain67@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0003-4530-5409>

Abstract

Guardianship is one of the most important institutions known to protect the rights and property of disabled people. The trustee is responsible for the compensation of the property if he is at fault in performing legal actions for the owner. Movable alayh, in Iranian and French law, civil liability resulting from a minor harmful act is one of the examples liability resulting from the act. It is different that the purpose of this article is to investigate the guardian's responsibility in the legal system of Iran and France, descriptive research method. It is analytical and from the results of this research, it can be said briefly that the supervisor's responsibility is according to the section 7 of the Civil liability law. is examined that the realization of the supervisor's responsibility has general and specific conditions that are researched will be investigated, while French law is based on the assumption of fault, which is against the rules. It is general and parents are jointly responsible for damages caused by minor children who live with them in the same place.

Keywords: Guardian, Civil Responsibility, Supervisor, Legal System of Iran, Criminal Responsibility.

چکیده

قیمومت یکی از مهم‌ترین نهادهای شناخته شده به منظور حمایت از حقوق و اموال افراد محجور است. قیم در اداره اموال محجور، امین است و هرگاه در انجام اعمال حقوقی برای مولی علیه دچار تقصیر شود مسئول جبران خسارت مولی علیه است. در حقوق ایران و فرانسه مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیانبار صغیر از مصادیق مسئولیت ناشی از فعل غیر است که هدف پژوهش حاضر بررسی مسئولیت قیم در نظام حقوقی ایران و فرانسه است. شیوه پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و از نتایج این پژوهش به اجمال می‌توان گفت که مسئولیت سرپرست مطابق ماده هفتم قانون مسئولیت مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد که تحقق مسئولیت سرپرست دارای شرایط عمومی و اختصاصی است. این در حالی است که در حقوق فرانسه مبتنی بر فرض تقصیر است که برخلاف قواعد عمومی است و پدر و مادر متضامنا مسئول زیانهای ناشی از فرزند صغیری که با آنان در یک جا سکونت دارند می‌باشند.

واژگان کلیدی: قیم، مسئولیت مدنی، سرپرست، نظام حقوقی ایران، مسئولیت کیفری.

Received: 2024/04/17 - Review: 2024/06/29 - Accepted: 2024/08/09

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

ارجاع:

مکی، اکرم السادات؛ کشکولیان، اسماعیل؛ (۱۴۰۳)، مسئولیت قیم؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و فرانسه، تمدن حقوقی، شماره ۲۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

قیم شخصی است که از طرف دادگاه برای سرپرستی محجور و نگهداری اموال او منصوب می‌گردد و با توجه به ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی مواظبت شخص مولی علیه و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی قیم است (حسین پور و پاسبان، ۱۳۹۹، ۵۰). اشخاص محجور از جمله صغیر و مجنون به دلیل وضعیت خاص خود، قادر به تشخیص صلاح و مصلحت خود نیستند و ممکن است کارهایی انجام دهند که به ضرر خودشان باشد. بنابراین شارع برای حمایت از صغیر و مجنون، آنها را از تصرف در اموال منع کرده است و افرادی را به‌عنوان نماینده آنها تعیین و انجام امور محجور را به این نمایندگان محول کرده است.

به طور کلی سه نوع نمایندگی در شرع برای این دسته از افراد مشخص شده است که به ترتیب عبارتند از ولایت قهری، ولی قهری در فقه (پدر و جدپدری) می‌باشد و این دو به موجب شرع سرپرست هستند. ولایت شان اجباری است و نه اختیاری و به همین جهت آن را قهری نامیده‌اند. وصایت، نماینده تعیین شده از سوی پدر و یا جدپدری که به او وصی می‌گویند. قیمومت، در صورت فقدان پدر یا جدپدری یا وصی حاکم شرع سرپرستی امور صغیر و مجنون را بر عهده می‌گیرد که از آن به ولایت حاکم تعبیر می‌کنند (زرگوش نسب و آبیاری، ۱۳۹۹، ۸۷).

۱- پیشینه قیمومت در ایران

در حقوق اسلام، قواعد جالب و مترقی برای حمایت از محجورین و اداره امور آنها وجود دارد که مبنای قوانین موضوعه جدید در ایران است. مبنای نصب قیم در حقوق اسلامی ولایت قاضی است که به تفصیل مورد بحث فقها واقع شده است. هرگاه محجور ولی خاص نداشته باشد سرپرستی و اداره امور با قاضی است که از آن به ولایت حاکم تعبیر می‌کنند. این نوع ولایت مورد قبول فقهای اسلامی، اعم از شیعه و سنی است و در تأیید آن به حدیث نبوی^۱ استناد شده است (انصاری، ۱۴۲۲ق). البته این ولایت از آن حاکم شرع است که می‌تواند آن را شخصا اعمال کند یا شخصی را به‌عنوان نماینده خود برای سرپرستی محجور تعیین نماید که در فقه او را قیم یا وصی یا وکیل قاضی نامیده‌اند. این شخص نماینده قاضی به شمار می‌آید و اختیارات آن نماینده به وسیله قاضی مشخص می‌شود و زیر نظر قاضی انجام وظیفه می‌کند و در هر زمان قاضی می‌تواند او را برکنار و شخص دیگری را به جای او منصوب کند یا خود اداره امور محجور را برعهده بگیرد (صفری، ۱۳۹۲، ۹۴).

هرچند مفهوم (حاکم) در متون فقهی با (قیم) در اصطلاح حقوقی با هم شباهت‌هایی دارند؛ اما نباید این دو را برابر و یکسان دانست، چنان‌چه برخی از نویسندگان حقوقی بیان داشته‌اند تفاوتی که قیمومت در حقوق امروزه با قیمومت در حقوق اسلام دارد آن است که قیمومت امروزه یک نهاد حقوقی است که شرایط و آثار آن و وظایف و اختیارات قیم را قانون تعیین کرده است و دادگاه در چهارچوب قانون به نصب قیم اقدام می‌کند و بر کار او نظارت می‌نماید، درحالی‌که در حقوق اسلامی، ولایت بر محجورینی که ولی خاص ندارند از آن حاکم است و او می‌تواند این ولایت را از طریق نماینده خود که گاهی هم قیم نامیده می‌شود اعمال کند. به تعبیر دیگر در حقوق اسلامی، ولایت بر محجوری که ولی خاص ندارد به مقام عمومی قضایی واگذار شده، حال آن‌که در حقوق امروزی، این ولایت از آن یک شخص خصوصی است که دادگاه او را تعیین می‌کند و بر کارش نظارت دارد.

در حال باید مباحث مربوط به قیم را در منابع فقهی تحت عنوان ولایت حاکم دنبال نمود و در مباحث تطبیقی بین فقه و حقوق و برای رفع ابهامات در این خصوص، می‌توان از این مباحث فقهی استفاده نمود. به عبارت ساده‌تر قیمومت را می‌توان نمودی از اعمال ولایت حاکم دانست (حسین پور و پاسبان، ۱۳۹۹).

۱. الحاکم ولی من لا ولی له

۲- مفهوم شناسی

قیم- نماینده قانونی محجور که از طرف مقامات صلاحیتدار قضایی در صورت نبودن ولی قهری و وصی او تعیین می‌شود. اختیارات قیم کمتر از اختیارات وصی است.

قیمومت- اداره امور صغاری است که ولی قهری و وصی ندارد (یعنی ولی خاص ندارد) و نیز برای اداره امور مجنون و غیررشیدی که جنون و عدم رشد آن‌ها متصل به صغر نباشد و یا این که در صورت اتصال به صغر، ولی خاص نداشته باشد نماینده قانونی معین می‌شود که او را قیم می‌نامند و عمل ولایتی او را در حق مجحوران مذکور، قیمومت نامیده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰). قیمومت ولایتی که به علت نقصان اهلیت شخص، به حکم شرع یا حاکم شرع به شخصی واگذار می‌گردد نیابت شرعی نامیده می‌شود و به کسی که از سوی حاکم به‌عنوان ولی شناخته می‌شود قیم می‌گویند و به این نوع ولایت، قیمومت نیز گفته می‌شود (زرگوشب نسب و آبیاری، ۱۳۹۹، ۷۸).

مسئولیت- مسئولیت تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او باشد.

مسئولیت مدنی- مسئولیت در مقام خسارتی که (یا کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است) یا اشیاء تحت حراست وی به دیگری وارد می‌کند و همچنین مسئولیت شخص در اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری استعمال می‌شود. مسئولیت مدنی دو قسم است. مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد که گاهی آن را مسئولیت تقصیری می‌نامند. قدر مشترک هر دو نوع مسئولیت نقض تعهد و الزام است. نهایت این که در نخستین، نقض تعهد قراردادی می‌شود و در دومین، نقض تعهد قانونی (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۰).

۳- انواع قیم از نظر مدت قیمومت

قیم ثابت یا دائمی- هرگاه برای محجور مطابق قوانین مربوطه از طرف دادگاه یک یا چند نفر به سمت قیمومت انتخاب شوند و نگهداری و محافظت محجور بر عهده او گذاشته شود. چنین قیمی را قیم ثابت یا دائمی می‌گویند و سمت او تا زوال حجر یا تخلف وی و اثبات تخلف و تقصیر قیم ادامه می‌یابد. اصولاً قیم تا زمانی که تقصیر نکرده و حجر محجور زائل نشده در سمت خود ثابت بوده و انجام وظیفه خواهد نمود. منظور قانون‌گذار در قوانین مربوطه از قیم همین نوع بوده است مگر مواردی که صراحتاً به‌عنوان قیم

اتفاقی یا موقت مطرح شده باشد (صفری، ۱۳۹۲، ۹۴).

قیم موقت - اگر قیم مرتکب جرمی نسبت به مولی علیه شود و مورد تعقیب دادستان واقع شود، دادگاه خانواده با تقاضای دادستان، موقتا قیم دیگری برای اداره اموال مولی علیه معین خواهد کرد تا نسبت به جرم قیم اصلی و تعیین تکلیف او اقدام شود. ممکن است بعد از رسیدگی به امر کیفری قیم قبلی تبرئه شود و قیمومت او باقی بماند یا حکم بر محکومیت او صادر شود و به کلی عزل شود.

۴- شرایط و اوصاف قیم

قیم باید دارای اهلیت کامل و شایستگی اخلاقی و قابل اعتماد باشد. به علاوه، با استناد به ملاک ماده ۱۱۹۲ قانون مدنی که مربوط به وصایت است، می توان گفت که اگر محجور مسلمان باشد، نمی توان برای آن قیم غیرمسلمان تعیین کرد.

ماده ۱۲۳۱ قانون مدنی درباره شرایط قیم می گوید اشخاص ذیل نباید به سمت قیمومت معین شوند: کسانی که خود تحت ولایت و قیمومت هستند. کسانی که به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل به موجب حکم قطعی محکوم شده باشد سرقت، خیانت در امانت، کلاه برداری، اختلاس، هتک ناموس یا منافیات عفت جنحه نسبت به اطفال. کسانی که حکم ورشکستگی آن ها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آن ها تصفیه نشده است. کسانی که معروف به فساد اخلاق باشند. کسی که خود یا اقربای طبقه اول او دعوا بر محجور داشته باشند.

اقربا (خویشاوندان) محجور در صورتی که صلاحیت برای قیم شدن داشته باشند، بر دیگران مقدم خواهند بود و دادگاه یک یا چند نفر از آن ها را به سمت قیم معین خواهد کرد. در میان خویشان محجور پدر یا مادر او، مادامی که شوهر ندارد با داشتن صلاحیت بر دیگران مقدم است و نیز در صورت محجور شدن زن، شوهر وی با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم است. برابر قانون مدنی زن نمی تواند بدون رضایت شوهر خود سمت قیمومت را قبول کند. چه ممکن است قبول این سمت و انجام وظایف ناشی از آن به ایفای وظایف زناشویی و تکالیف زن نسبت به شوهر لطمه بزند اما اگر شوهر به این امر رضایت بدهد اشکال مرتفع خواهد شد.

هرگاه زن بی شوهری، ولو مادر مولی علیه که به سمت قیمومت معین شده است شوهر کند باید مراتب را در ظرف یک ماه از تاریخ ازدواج به دادستان شهرستان حوزه اقامت خود یا نماینده او اطلاع دهد. در

این صورت، دادستان یا نماینده او می‌تواند با رعایت وضع جدید آن زن تقاضای تعیین قیم جدید یا ضم ناظر کند. حتی با توجه به کاربرد کلمه «می‌تواند» می‌توان گفت دادستان می‌تواند با رعایت مصلحت محجور قیمومت را از دادگاه بخواهد. هر گاه قیم ازدواج خود را در مدت مقرر به دادستان اطلاع ندهد، وی می‌تواند عزل قیم را از دادگاه تقاضا کند. از عبارت ماده ۱۲۵۲ قانون مدنی چنین بر می‌آید که عزل قیم اختیاری است نه اجباری (صفایی، ۱۳۹۶).

۵- مسئولیت سرپرست صغیر و مجنون

ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مقرر می‌دارد: کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانونا یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران خسارت وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده زیان نباشد.

بند اول این ماده راجع به مسئولیت کسی است که نگاهداری و یا مواظبت مجنون و صغیر به عهده او است که، ما برای سهولت کار، از او به‌عنوان سرپرست یاد می‌کنیم. این مسئولیت یک نوع مسئولیت ناشی از فعل غیر است که مبنای آن حمایت از زیان دیده از یک سو و وادار کردن سرپرست محجور به دقت و مراقبت در انجام وظیفه و در نتیجه حمایت از محجور از سوی دیگر است. فکر حمایت از زیان دیده مخصوصا قابل توجه است زیرا محجور اغلب صغیر است و مالی از خود ندارد و اگر سرپرست صغیر مسئولیت افعال زیان آور او را به عهده نداشته باشد چه بسا زیان بدون جبران خواهد ماند و این برخلاف قاعده عدالت و انصاف است.

در بند آخر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مفید تخفیف نه جبران زیان است یا خیر؟ برخی بر این عقیده‌اند که اصل بر جبران کامل خسارت است و تخفیف در میزان خسارت جنبه استثنایی داشته و منحصر به همان موارد مصرح در ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ می‌باشد. مقصود قانون‌گذار از ذیل ماده ۷ قانون فوق که منطبق با قاعده نفی عسرو حرج می‌باشد این است که به مسئول پرداخت زیان مهلت عادلانه داده شود یا پرداخت خسارت تقسیط گردد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷).

۶- شرایط عمومی و اختصاصی تحقق مسئولیت قییم

چنان چه قییم در وظایف تحت سرپرستی خود کوتاهی کند یا به حقوق فرد محجور تعدی نماید مسئول پرداخت ضررهای وارد شده به فرد تحت سرپرستی می‌باشد و از این لحاظ مصونیتی ندارد. با این وجود برای احراز مسئولیت قییم یک سری شرایط عمومی و اختصاصی وجود دارد که از قرار ذیل می‌باشد.

۶-۱- شرایط عمومی مسئولیت قییم

برای تحقق مسئولیت مدنی قییم نیز، مانند هر شخص دیگری باید شرایطی مهیا گردد تا بر مبنای آن، قییم مسئول شناخته شود. این شرایط عبارتند از:

ورود ضرر- ورود ضرر و زیان یکی از ارکان شرایط اساسی مسئولیت مدنی است زیرا موضوع مسئولیت مدنی جبران ضرر ناروا است و تا زمانی که ضرری محقق نشود موضوعی برای جبران وجود ندارد و در نتیجه مسئولیت مدنی منتفی به انتفاع موضوع است.

فعل زیانبار- یکی دیگر از ارکان مسئولیت مدنی، وجود فعل زیانبار است. عامل فعل زیانبار زمانی مسئول جبران خسارت وارده بر دیگری است که عمل زیانبار استناد داشته باشد.

رابطه سببیت- یکی دیگر از ارکان مسئولیت مدنی، لزوم وجود رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر وارده است تا ضرر به عامل فعل زیانبار مستند شود و او مسئول جبران آن قرار گیرد. به عبارت دیگر ضرر باید مستقیم ناشی از فعل زیانبار باشد به طوری که در صورت انتفاع فعل زیانبار ضرر نیز عرفاً منتفی محسوب شود (باریکلو، ۱۳۹۷).

۶-۲- شرایط اختصاصی مسئولیت قییم

از آن جا که قییم علاوه بر فعل خود، در نتیجه فعل غیر، مسئول شناخته می‌شود باید برای انجام وظایف و تکالیف خود دچار تقصیر و کوتاهی شود تا بتوان او را مسئول قلمداد نمود. پس شرایط اختصاصی آن از قرار ذیل است:

تعهد به نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر- در بند اول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ از کسی که نگهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانونا یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد سخن به میان آمده است که آن را به جای این عبارت، کلمه سرپرست را به کار بردیم. برای این مفهوم خاص حقوقی گاهی کلمه نگاهداری یا (نگهداری) و گاهی کلمه حضانت را به کار برده‌اند اما کلمه مواظبت اعم است و

دارای معنی خاص حقوقی نیست و به همان معنی لغوی استعمال شده که عبارت از پیوسته مراقب کاری بودن و نگرهبانی کردن است. به‌رحال بند اول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ دارای مفهومی گسترده‌تر است و شامل هر کسی می‌شود که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانونا یا بر حسب قرارداد بر عهده او می‌باشد. بنابراین هر شخص دیگری که به موجب قانون یا عرف و عادت یا قرارداد متصدی مواظبت و موظف به نگاهداری محجور باشد مشمول قاعده‌مندرج در بند اول ماده ۷ می‌باشد.

اشخاصی که به موجب قرارداد مواظبت مشترک طفل را پذیرفته‌اند و به علت تقصیر مشترک آن‌ها زیانی از سوی محجور به دیگری وارد شود همه آن‌ها مسئول و مکلف به جبران خسارت‌اند. ولی مسئولیت آن‌ها یک مسئولیت تضامنی نیست و هریک فقط مسئول زیان ناشی از تقصیر خود است و دادرس باید به نسبت تأثیری که تقصیر هریک از آن‌ها در ایراد خسارت داشته است سهم او را در پرداخت خسارت معین کند. زیرا مسئولیت تضامنی برخلاف اصل است و احتیاج به نص دارد که در این مورد دیده نمی‌شود.

محجور تحت حضانت یا مواظبت باشد- برابر ماده ۷ یاد شده، خسارت وارده باید ناشی از فعل مجنون یا صغیر باشد تا شخصی که نگاهداری یا مواظبت محجور به عهده او است مسئول شناخته شود. به نظر می‌رسد که صغیر در اینجا اعم از ممیز و غیرممیز است و قاعده مذکور اختصاص به صغیر غیرممیز ندارد. معهذا بعضی از استادان حقوق قاعده‌مندرج در بند اول ماده ۷ را به مجنون و صغیر غیرممیز اختصاص داده و آن را بدین گونه توجیه کرده‌اند که اگر صغیر غیرممیز در اثر تقصیر سرپرست خود زیانی به دیگری وارد کند در واقع سرپرست سبب ایراد خسارت بوده و سبب اقوا از مباشر است.

تقصیر- یکی از شرایط مقرر در بند اول ماده ۷ تقصیر در نگاهداری یا مواظبت است و زیان دیده باید این تقصیر را ثابت کند تا دادگاه بتواند سرپرست محجور را محکوم به پرداخت خسارت نماید. این قاعده مطابق اصل شخصی یا نظریه تقصیر است که در ماده اول قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به طور کلی پذیرفته شده است و به نظر می‌رسد که نظام قانون مدنی را از نظر مبنای مسئولیت دگرگون کرده است. آیا سرپرست پس از پرداخت خسارت می‌تواند آن چه را که پرداخته از مال محجور برداشت کند و به تعبیر دیگر آیا رجوع سرپرست به محجور در این مورد جایز است؟ اگر سرپرست دین محجور را پرداخت باشد حق رجوع به او را طبق اصول و قواعد حقوق مدنی خواهد داشت لیکن در فرض ما چون خسارت وارده ناشی از تقصیر سرپرست بوده و او در واقع دین خود را ادا کرده است حق رجوع به محجور و

برداشت خسارت از مال او را نخواهد داشت (صفایی، ۱۳۹۵).

تقصیر در اجرای تعهدهای مولی علیه- اگر قیم در اجرای تعهدهای مولی علیه مرتکب تقصیر قراردادی شود و به گونه‌ای نقض تعهد کند از نظر ارتباط قراردادی مولی علیه مسئول خسارت ناشی از عدم انجام تعهد است. ولی از آن جا که این خسارت در نتیجه تقصیر قیم به بار آمده است او ضامن جبران خسارت است و ملاک ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز می‌تواند در توجیه دعوا مستقیم طرف قرارداد بر او مورد استفاده قرار گیرد.

برعکس در مورد قراردادهای نادرستی که قیم به نمایندگی محجور با دیگران بسته است مسئول خسارت ناشی از ابطال قراردادها نیست خواه دعوی ابطال را محجور اقامه کرده باشد یا خود قیم. زیرا کسانی که با قیم طرف قرارداد می‌شوند باید حدود صلاحیت و اختیار او را احراز کنند و خود مسئول تجاوز و قواعد حجر و قیمومیت هستند و نمی‌توانند ضرری را که در نتیجه اقدام خود برده‌اند از قیم بخواهند. اما اگر قیم طرف قرارداد را با حيله نسبت به اختیار خود فریب داده باشد ضامن خسارت ناشی از این تقلب است و در موردی که قیم ضمن قرارداد فضولی با دیگران تصویب و اجازه آن را به وسیله دادستان محجور تنظیم کرده است (تعهد به فعل ثالث) هر گاه از عهده بر نیاید و نتواند وسیله تنفیذ قرارداد را فراهم آورد مسئول ناشی از عدم انجام تعهد است. به‌عنوان مثال در فرضی که قیم کودکی را به مؤسسه تعلیماتی مثل کودکان می‌سپارد ضامن پرداخت هزینه‌های مورد توافق است و اگر دارایی کودک مکفی نبود، قیم خود مسئول است چون به طور ضمنی مخارج آن را تضمین کرده است (صفایی، ۱۳۹۵، ۲۵۵).

۷- مسئولیت قیم در نظام حقوقی فرانسه

۷-۱- قیمومت در لغت و اصطلاح (حقوق فرانسه)

کلمه قیمومت در اینجا به معنی tutelle و باید از هم‌اکنون یادآور شد که منظور از آن معنایی غیر از معنای قیمومت در حقوق ایران است. در حقوق ایران قیمومت سمتی است که در صورت فقدان ولی قهری (پدر و جدپدری) و وصی منصوب از طرف ایشان به وسیله قاضی، برای مواظبت شخص و اداره اموال محجور به کسی واگذار می‌گردد. لیکن قیمومت در حقوق فرانسه اصولاً هنگامی آغاز می‌شود که پدر و مادر صغیر در قید حیات نباشند یا صغیر پدر و مادر قانونی نداشته باشد. ممکن است پدر یا مادر بعد از مرگ دیگری کسی را به سمت قیم تعیین کند و نیز ممکن است به حکم قانون یا طبق تصمیم شورای

خانواده یا دادگاه این سمت به کسی داده شود. هدف از تأسیس قیمومت صغار در حقوق فرانسه حمایت از اطفالی است که از سرپرستی پدر و مادر محرومند.

۲-۷- انواع قیم در حقوق فرانسه

قیم وصایتی (وصی) - هر یک از پدر و مادر بعد از فوت دیگری می‌توانند به موجب وصیت یا اعلام خاص در مقابل سردفتر اسناد رسمی شخصی را به‌عنوان قیم (یا وصی طبق اصطلاح متداول در حقوق ایران) بر فرزندان صغیر خود تعیین کند. مشروط بر این که تا هنگام فوت عنوان مدیر قانونی یا قیم را برای خود حفظ کرده باشد. موصی در انتخاب خود آزاد است و می‌تواند کسی را که عضو خانواده نیست به این سمت تعیین نماید.

قیم قانونی - هر گاه صغیر قیم وصایتی (وصی) نداشته و یکی از اجداد یا جدات او در قید حیات باشد قانون او را به سمت قیم تعیین می‌کند. نزدیک‌ترین جد یا جده صغیر قیم قانونی محسوب می‌شود. هر گاه اجداد یا جدات متعدد و دارای درجه قرابت واحدی باشند، شورای خانواده یکی از آن‌ها را به‌عنوان قیم تعیین می‌کند.

قیم انتخابی - هر گاه صغیر نه وصی و نه قیم قانونی داشته باشد (وضعی که همواره در مورد اطفال نامشروع شناخته نشده پیش می‌آید) قیم به وسیله شورای خانواده تعیین می‌شود. همچنین هر گاه وصی یا قیم قانونی سمت خود را از دست بدهد، قیم انتخابی به وسیله شورای خانواده تعیین خواهد شد. قیم انتخابی ممکن است یک عضو خانواده یا بیگانه باشد.

قیم قضایی - هر گاه پدر عنوان ولایت پدری را کلاً از دست داده یا همه حقوق او نسبت به یکی از فرزندان او از وی سلب شده باشد. دادگاه در صورتی که با اعمال این سمت به وسیله مادر موافق نباشد می‌تواند حکم به اجرای رژیم عمومی قیمومت درباره صغیر کند و کسی را به‌عنوان قیم تعیین نماید. ولی چون هیچ کس مجبور به قبول این قیمومت نیست دادگاه در بسیاری از موارد به علت نبودن شخصی که قیمومت بپذیرد نخواهد توانست قیمومت قضایی بر قرار کند و به ناچار قیمومت خاص اطفال دولت درباره صغیر اجرا خواهد شد. یعنی دادگاه سمت قیمومت را به دولت واگذار خواهد کرد و دولت از طریق مؤسساتی که دارد حمایت از صغیر را عهده دار خواهد شد (صفایی، ۱۳۹۵، ۲۰۷).

۳-۷- سازمان قیمومت در رژیم قیمومت

شخصی به نام قیم عهده دار مواظبت شخص و اداره اموال صغیر است، به علاوه در این رژیم ارکانی برای نظارت بر اعمال قیم پیش‌بینی شده است. در قیمومت، برخلاف رژیم ولایت پدری و اداره قانونی اموال، ارکان نظارت متعدد است. اعمال قیم نه فقط به وسیله قاضی قیمومت و استثناء به وسیله قاضی دادگاه شهرستان کنترل می‌شود بلکه شخص دیگری به نام ناظر و نیز شورای خانواده بر اعمال او نظارت می‌نماید. شورای خانواده که یکی از ارکان قیمومت است مجموعی از اقربای نسبی و سببی صغیر یا همسایگان و دوستان خانواده او است که به ریاست قاضی قیمومت تشکیل می‌گردد. زنان نیز می‌توانند به عضویت این شورا انتخاب شوند همان‌طور که می‌تواند قیم یا ناظر باشد. همچنین ناظر به وسیله شورای خانواده انتخاب می‌شود (صفایی، ۱۳۹۵، ۲۰۹).

۴-۷- ضمانت اجرای قواعد قیمومت

قواعد قیمومت در حقوق فرانسه دارای دو نوع ضمانت اجرا است و دو نوع مجازات برای تخلف از این قواعد در نظر گرفته شده است. بعضی از مجازات‌ها متوجه شخص قیم و ارکان نظارت که از انجام وظیفه تخلف کرده‌اند می‌باشد و بعضی دیگر متوجه اعمالی است که برخلاف قانون انجام شده است.

نتیجه

نهاد قیمومت از جمله نهادهایی است که به منظور حمایت از محجورین و اداره امور مالی آن‌ها تأسیس گردیده است، زیرا محجورین به دلیل این که اهلیت لازم را برای اداره امور خود را ندارند، ممنوع التصرف می‌باشند. به همین دلیل در حقوق مدنی ایران نهادی برای حمایت از آن‌ها به نام قیمومت ایجاد شد. در این پژوهش ابتدا به بررسی قیم، انواع آن، شرایط قیمومت و مسئولیت مدنی پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که مسئولیت قیم با توجه به احراز شرایط عمومی مسئولیت یعنی ورود ضرر و رابطه سببیت و فعل زیانبار قابل اثبات است و قیم مسئول خسارات وارده بر آن می‌باشد و همچنین در شرایط اختصاصی اگر قیم در اجرای تعهدات مولی علیه و مواظبت و نگهداری آن دچار تقصیر شود باید جبران خسارت کند. این در حالی است که در حقوق فرانسه قیم باید مانند پدر خانواده اموال صغیر را اداره کند و در صورت تعدی و تفریط مسئول خسارت وارده است. همچنین اگر قیم به علتی، ممنوع از اداره اموال قیم شود یا شایستگی اداره اموال را نداشته باشد منزل می‌شود یا به وسیله شورای خانواده عزل می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- باریکلو، علیرضا، ۱۳۹۷، **مسئولیت مدنی**، چاپ هشتم، تهران، انتشارات میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۴۰۰، **ترمینولوژی حقوق**، تهران، انتشارات گنج دانش.
- حسین پور، علی و پاسبان، محمدرضا، ۱۳۹۹، بررسی وضعیت حقوقی معاملات تجاری قیم با اموال محجورین، **دوفصلنامه گفتمان حقوقی**، شماره ۳۶.
- زرگوش نسب، عبدالجبار و آبیاری، محدثه، ۱۳۹۹، ولایت قیم بر اموال صغیر و مجنون و سفیه در فقه مذاهب اسلامی، **فصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب**، شماره ۲.
- صفایی، سیدحسین، ۱۳۹۵، **حقوق مدنی و حقوق تطبیقی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.
- صفایی، سیدحسین، ۱۳۹۶، **حقوق اشخاص و اموال**، تهران، انتشارات میزان.
- صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب اله، ۱۳۹۷، **مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات سمت.
- صفری، پرویز، ۱۳۹۲، بررسی فقهی و حقوقی وظایف و اختیارات قیم، **فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی**، شماره ۴.

عربی

- انصاری، مرتضی، ۱۴۲۲ق، **مکاسب**، چاپ بیست و هشتم، قم، انتشارات مجمع الفکر اسلامی.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.20- Summer 2024

The Place of Congress and its Powers in the Political System of the United States of America

Amirreza Mahmoudi, Abbas Taghvaei, Mohadesch Ghavami Pour Sereshkeh

Challenge of the Presence of Civil Societies in Criminal Proceedings of Iran

Ensieh Salimi, Ali Dadkhah

An Analysis on the Imposition of Criminal Liability on Judicial Officers with an Emphasis on the Theory of “Participation with Virtue” in Iranian Law

Hadi Masoudifar, Nafiseh Shirazi

Criminalization of Hunting Children and Teenagers in Cyberspace in Iranian Law

Hamid Ayadehpour, Maryam Kamaei, Daryoush Kalantari

Guardian’s Responsibility: Study of Iranian and French Legal Systems

Akram Makki, Esmacil Kashkoulani

Agency of Genes in Cyber Crimes and its Effect on Committing Criminal Behavior with an Emphasis on Cyber Criminology

Sajjad Saanati, Maedeh Daghighi, Shahrooz Darbandi

Feasibility Assessment of the Legitimacy of Replacing the Endowment Property in Islamic Jurisprudence Schools and Subject Laws of Iran

Elham Tabarsa, Mohaddeseh Sadeghian Lamraski

Analyzing Avicenna’s Views about Women and Children and comparing it with the Provisions of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women and the Convention on the Rights of the Child

Mohamad Mahdi Davar, Reyhaneh Sadeghi

Analyzing the Implementation Challenges of the Bail Confiscation Order in the Branches of the Execution of Criminal Sentences

Akbar Mahmoodi, Iman Esfandiari

Feasibility of Legitimate Self-defense through Cyber Attacks

Saleh Gholam Heidari

Governance Challenges Based on Sustainable Development in Iran’s Budgeting System

Mohammad Mahdi Rezvanifar, Zahra Salimi

Building a State that Works for Women: Integrating Gender into post-conflict State Building

Marjan Moradi

Weapons of War Tools of Justice: Using Artificial Intelligence to Investigate International Crimes

Navid Zamaneh Ghadim, Aram Abbaspour Jalali

The Role and Importance of the Administrative Court of Justice in Guaranteeing Individual Rights

Zahra Memarian